

# نمونه از خط شیخ الرئیس ابوعلی سینا

بقلم آقای میرزا محمد خان قزوینی از پاریس

در کتابخانه ملی پاریس در جزو نسخ خطی عربی در تحت نمرة  
۲۸۵۹ يك نسخه قدیمی نفیسی محفوظ است که چنانکه ذیلا مذکور  
خواهد شد دارای اهمیت مخصوصی است

نسخه مذکوره بقطع وزیري بطول ۲۸ سانتی متر و عرض ۲۰



سانتی متر ( یعنی سه سانتی متر طولاً و عرضاً بزرگتر از قطع مجله  
«آینده» ) و دارای ۸۶ ورق یا ۱۷۲ صفحه ، هر صفحه ۲۸ سطر است و

بخط نسخ درشت قدیمی بر روی کاغذ ضخیم نخودی رنگ نوشته شده است، و عبارت است از مجموعه از کتب طبیه از مؤلفات جالینوس که بتوسط حنین بن اسحاق عبادی مترجم معروف (سنه ۱۹۴ - ۲۶۴ هجری) از یونانی به عربی ترجمه شده است.

ابتدا رساله مختصری است که عنوانش اینست: « کتاب الفاضل جالینوس فی فرق<sup>(۱)</sup> الطب للمتعلمین نقل ابی زید حنین بن اسحاق المتطبب ». و این رساله یازده ورق است، و سپس کتاب مبسوطی است که عنوان آن اینست: « کتاب الفاضل جالینوس فی الاشیاء الخارجة عن الطبیعة المعروف بکتاب العلل والاعراض نقل ابی زید حنین بن اسحاق المتطبب » و این کتاب مرکب است از شش مقاله مستقل مجزاً از یکدیگر که در حقیقت شش تألف جداگانه و هر یک دارای عنوانی مخصوص اند، ولی چون تفصیل در این موضوع باإصالة محل حاجت ما نیست از ذکر آن عناوین صرف نظر نمودیم<sup>(۲)</sup>، و مجموع این مقالات ست ۷۵ ورق است.

تاریخ کتابت این نسخه در آخر کتاب « سنة اثنتین و ثلاثین و مائتین » نوشته شده است ولی از وضع خط و املا و کاغذ و سایر قرائن جزئیة دیگر قریب بیقین است که تاریخ مذکور الحاقی باید باشد و اصل نسخه اقلادو قرن مؤخر تر از این تاریخ و ظاهراً در اواخر

(۱) فرق بکسر فاء و فتح راء جمع فرقه است چه در این کتاب از عقاید فرق مختلفه اطبا که مؤلف آنها را اصحاب التجارب و اصحاب القیاس و اصحاب الحیل مینامد بحث میشود، و نقل بمعنی ترجمه است از زبانی بزبانی دیگر و نقله در اصطلاح قدما بمعنی مترجمین است.

(۲) عبارت ابتدای رساله اول اینست: « قال الفاضل جالینوس ان قصد الطب التماس الصحة و غایته احرازها فالطیب مضطر ال ان یعلم الاشیاء التي تقید الصحة انما فقدت و الاشیاء التي تعفظها اذا كانت موجودة ». و عبارت ابتدای کتاب: « قال الفاضل جالینوس ان اول ما ینبغی لنا ان نذکره ما الشیء الذی نسبه مرضاه و این ایضاً در کتاب طبقات الاطباء طبع مصر ج ۱ ص ۹۰ و ۹۳ هر دو تألیف مذکور را در جزوه مؤلفات جالینوس اسم میبرد و عناوین مخصوصه هر یک از مقالات شش گانه کتاب العلل و الاعراض را بدست میدهد، هر که خواهد بدانجا رجوع نماید.

قرن چهارم یا اوایل قرن پنجم یعنی در حدود ۴۰۰ هجری استنساخ شده است، و تاریخ ۲۳۲ را گویا در همان ازمنه قدیمه یکی از مالکین کم شرافت این نسخه بقصد اینکه آنرا معاصر خود حنین بن اسحاق (۱۹۴-۲۶۴) بقلم دهد الحاق نموده است،

در پشت ورق اول این نسخه یاد داشتهای متعددی از مالکین مختلفه آن در اعصار مختلفه مسطور است، یکی ازین یاد داشتها که محل شاهد ما و غرض اصلی ازین مقاله است چند کلمه مختصری است که ظاهراً و بظن بسیار قوی بخط شیخ الرئيس ابوعلی سینای معروف است، و این یاد داشت چنانکه در صفحه عکس منتشره در این نمره ملاحظه میشود در بالای صفحه در طرف دست راست واقع و اغلب کلمات آن بی نقطه است و عین عبارت آن اینست:

فی حوز الفقیر حسین بن عبدالله

ابن سینا المتطبب

فی سنة سبع و اربعماية

(یعنی در ملک و حیات فقیر حسین بن عبدالله بن سینای طبیب در سال چهارصد و هفت) و چون وفات شیخ در سنه ۴۲۸ است پس این یاد داشت را قریب ۲۱ سال قبل از وفات خود نوشته بوده است، و ظاهراً شیخ در آن اوقات در همدان اقامت داشته است، و ملاحظه میشود که شیخ «متطبب» امضا کرده است نه «طیب» چنانکه حنین بن اسحاق نیز همین کار را کرده است، و گویا این یک نوع فروتنی بوده است از ایشان که نمیخواستند خود را در عداد اطباء بزرگ مثل بقراط و جالینوس و غیرهما که لقب «طیب» احتراماً مختص بآنها بایستی باشد تعداد نمایند بلکه تواضعاً خود را از متشبهین باطبا و متطفلین بر آن جماعت محسوب میداشته اند،

و نیز ملاحظه میشود که شیخ با همه استغراق وقت و حواس خود در تحصیل علوم عالیّه باز از رعایت قواعد جزئیه رسم الخط و املا غفلت نمی‌ورزیده است، چه دیده میشود که شیخ ابتدا «حسین بن عبدالله» نوشته است بدون الف در این بقاعده معروفه اسقاط الف ابن واقع بین العلمین، ولی در مورد ثانی یعنی «ابن سینا» چون کلمه ابن در ابتدای سطر واقع شده بوده و در این مورد احسن اثبات الف است شیخ آنرا با الف نوشته است و مساهله در این قاعده بسیار جزئی املائی را بخود اجازه نداده است.

و اینکه گفتیم بظن بسیار قوی این یاد داشت خط شیخ است و نگفتیم بطور قطع و یقین باین ملاحظه است که در امثال این موارد (یعنی در مواردی که از دلایل خارجی خط کسی بطور قطع و یقین معروف نباشد) حصول علم قطعی بانتساب خطی بشخص مفروضی تقریباً از محالات است، زیرا که احتمال تعدد شخصین یا احتمال تقلب و تزویر در خط عاده ممتنع نیست، ولی سیره عموم عقلا بر این جاری است که ظن را در امثال این موارد کافی میدانند باین معنی که (اگر قرائن قطعیه یا ظنیه بر خلاف قائم نباشد مانند بسیاری از مصاحف شریفه که خطوط آنها منسوب بیکی از ائمه اطهار است) مجرد امضای اسم و نسب و شغل و حرفه و سایر مشخصاتی را که کسی بدان معروف بوده است کافی در صحت انتساب آن خط بآن شخص میدانند و احتمال تعدد شخصین و موارد اسمین یا احتمال تزویر و تقلب را در آن راه نمیدهند و اگر فتح باب اینگونه احتمالات را بنمائیم در اغلب خطوط منسوبه بمشاهیر رجال تاریخی بلکه در جمیع آنها شك خواهیم نمود و دیگر هیچ راهی برای اثبات انتساب خطوط کذشتگان بصاحبان آنها برای ما باقی نخواهد ماند.

علاوه بر همه اینها در مورد ما نحن فیه احتمال تعدد شخصین

بسیار مستبعد است زیرا که در این مورد بخصوص اجتماع پنج توارد معاً لازم است تا تعداد شخصین حاصل شود: یکی توارد اسم هر دو (حسین)، دیگر توارد اسم پدر هر دو (عبدالله)، سوم توارد اسم جد هر دو (سینا) که از اسامی بسیار نادره و بهمین جهت احتمال توارد در آن ضعیف تر از تواردات دیگر است) ، چهارم اتحاد شغل هر دو یعنی طبابت ، پنجم اتحاد عصر هر دو، چه اگر اشتراك دو شخص در اسم خود و اسم پدر و اسم جد و در شغل در ازمنه مختلفه تا اندازه نادر است در يك عصر و در يك سال معین مفروض ( ۴۰۷ ) بلا شك نادرتر و بعیدالوقوع تر است، و احتمال تقلب نیز ( قطع نظر از آنکه گفتیم که سیره عقلا بر عدم اعتنا باینگونه احتمال است ) در مورد ما بغایت ضعیف است چه اگر امضای شیخ کار يك متقلبی میبود اصلح برای او این بود که کتبه شیخ را یعنی « ابو علی » را که شیخ بمراتب بدان معروفتر است تا با اسم خود بر آن اضافه نماید ، وانگهی بایستی یاد داشت مذکور را قدری واضح تر و جلی تر و برجسته تر و شاید با عبارتی قدری مطول تر بنویسد تا جلب انظار را نماید نه آنکه در گوشه تاریک صفحه چند کلمه مختصر بدون نقطه با قلم بسیار ریز خفی رقم نماید

باری بظن بسیار قوی بلکه تقریباً بطور قطع و یقین میتوان گفت که این خط و امضای مسطور در ورق اول این نسخه خط دستی خود شیخ الرئيس ابو علی بن سیناست ، و عقیده بارون دوسلان (۱) مؤلف فهرست نسخ عربیه کتابخانه پاریس نیز همین است (۲)، و راقم سطور مکرر بعضی از فضلالی مصری و هندی را دیده است که در عبور از پاریس مخصوصاً بقصد زیارت این دستخط شریف شیخ بکتابخانه ملی آن شهر رفته اند مقصود اینست که انتساب این خط بشیخ عقیده خصوصی این ضعیف

Baron de Slane (۱)

(۲) رجوع کنید بفرست مذکور در تحت نمره ۲۸۵۹

و اجتهاد شخصی او نیست بلکه امری است مشهور هم نزد مستشرقین و هم نزد فضلاء مسلمین ، و این شیاع خود تا اندازه موجب اطمینان قلب است بصحت انتساب این خط بآن فیلسوف بزرگ و آن افتخار نوع بشر عموماً و ایرانیان خصوصاً .

این صفحه عکس که در این شماره طبع شده است مشتمل بر نصف صفحه اصلی است نه تمام صفحه چه تمام صفحه از قطع مجله آینده خیلی بزرگتر است ، و با اینکه نصف صفحه است معذک حاشیه دست چپ صفحه را اضطراراً بملاحظه اینکه عرضش از عرض مجله «آینده» خیلی بیشتر است بدستور العمل من عکاس عکس نینداخته است ، و آن قسمتی را هم که عکس انداخته است بد بختانه بقدر قلیلی (قرب دو سانتی متر طولاً و عرضاً) از معادل اصلی خود کوچکتر است ، و با وجود سفارش اکید بکلیشه ساز که کلیشه را باندازه اصل عکس بسازد باز وقتی که آنرا فرستاد دیدم که نمیدانم بچه علت از اصل عکس اندکی کوچکتر ساخته است ، و چون وقت تنگ و شماره «آینده» تحت الطبع بود دیگر فرصت ساختن کلیشه مجددی ببزرگی اصل باقی نمانده بود .

پاریس ۱۸ شعبان ۱۳۴۶

محمد قزوینی

### قطعه

زیرا که گران باشد و تن گرم ندارد  
خویشی که توا نگر شد و آزر م ندارد  
با خنجر خونریز دل نرم ندارد  
پیری که جوانی کند و شرم ندارد

چون جامه چرمین شرم صحبت نادان  
از صحبت نادان بترت نیز نگویم  
زین هر دو بتر پادشهی دان که در اولیم  
زین هر سه بتر با تو بگویم که چه باشد

ابن یهین